

لا اله الا الله

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای/ خانم **ساناز رحیم بیگی** تحت عنوان: **بررسی زبان گفتاری در شعر نو فارسی را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.**

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر غلامحسین غلامحسین زاده	استادیار	
۲	استاد مشاور	دکتر قدرت الله طاهری	استادیار	
۳	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر سعید بزرگ بیگدلی	دانشیار	
۴	استاد ناظر	دکتر سعید بزرگ بیگدلی	دانشیار	
۵	استاد ناظر	دکتر نعمت الله ایران زاده <i>ازاد</i>	استادیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه می باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی- پژوهشی دانشگاه است؛ بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

« کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۸۸ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر غلامحسین غلامحسین زاده، مشاوره جناب آقای دکتر قدرت الله طاهری از آن دفاع شده است. »

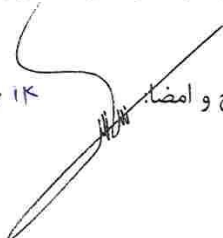
ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتاب‌های عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب ساناز رحیم‌بیگی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: ساناز رحیم‌بیگی

تاریخ و امضا:  ۱۳۸۸ / ۴ / ۱۴



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان-نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی زبان گفتاری در شعر نو فارسی

نگارنده

ساناز رحیم بیکی

استاد راهنما

دکتر غلامحسین غلامحسین زاده

استاد مشاور

دکتر قدرت الله طاهری

تیرماه ۱۳۸۸

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

برای تمام مهربانی‌هایی بی‌جواب

و

ارمیهایی کوچکی

تقدیر و تشکر

اینک که کار نگارش این پایان‌نامه به اتمام رسیده است، نخست خداوند مهربان را شکر می‌گوییم که با قصور در بندگی، سایه الطاف بی‌پایانش همواره بر سرم بوده و این بنده حقیر را توفیق فراگیری علم و دانش ارزانی داشته‌است. و نیز بر خود فرض می‌دانم از اساتید و بزرگوارانی که بدون یاری و راهنمایی آنان این تلاش هیچ‌گاه به سرانجام نمی‌رسید، سپاسگذاری کنم.

- استاد فرزانه، آقای دکتر **غلامحسین غلامحسین‌زاده**، که زحمت راهنمایی را بر عهده داشتند، از روزهای آغازین نگارش طرح این پایان‌نامه با دانش وسیع خود همواره راهنما و راهگشای من بودند و با حوصله و دقت بسیار بر نوشته‌های من تأمل فرموده، خطاها و کاستی‌ها را گوشزد نموده و مرا از لغزش‌ها بازداشته‌اند.

- استاد دانشمند، آقای دکتر **قدرت‌الله طاهری**، که زحمت مشاوره را بر دوش داشتند، با احاطه بی‌نظیر خود به ادبیات معاصر، اشتیاق پرداختن به موضوعاتی از این دست را در من برانگیختند و همواره جرأت و جسارت پیمودن مسیرهای تازه را تقویت نمودند. بدون شک این پایان‌نامه اگر دستاوردی داشته باشد نتیجه دانش و زحمات این دو بزرگوار است.

- دیگر اساتید محترم دانشگاه تربیت‌مدرس، آقای دکتر **سعید بزرگ‌بیگدلی**، آقای دکتر **ناصر نیکوبخت** و آقای دکتر **حسینعلی قبادی** که افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام. بزرگوارانی که بارها وقت گرانبهای خود را در اختیار من گذاشته‌اند و مطالب ارزشمندی را یادآور شده و سهم بسزایی را در روشن نمودن راه و تسریع امر تحقیق داشته‌اند.

- اساتید گرانقدر دانشگاه فردوسی مشهد، بویژه آقای دکتر **تقی وحیدیان کامیار** و دکتر **سید مهدی زرقانی** که با پاسخگویی به سؤالات مربوط به زبان‌شناسی و ادبیات معاصر، بسیاری از مبهمات ذهنی‌ام را برطرف نموده و در پیراستگی و دقت علمی کار نقش عمده‌ای را ایفا نموده‌اند.

- همچنین استاد ارجمند، آقای دکتر **نعمت‌الله ایران‌زاده**، استاد مدعو، که با بذل عنایت نکات مفید و ارزنده‌ای را متذکر شدند.

و

- پدر فاضل و فرهیخته و مادر دلسوز و مهربانم که در تمام مدت تحصیل همواره مشوق و پشتیبان من بوده و شرایط لازم در زمینه انجام این تحقیق را فراهم نمودند.

- **خواهران** عزیزم که در امر نگارش و هماهنگ نمودن بسیاری از فیش‌ها و نمونه شعرها وقت زیادی صرف کرده و کمک فراوانی نموده‌اند.

به نام خدا

چکیده

اخیراً در مباحث نقد ادبی از جریانی به نام "شعر گفتار" یاد می‌شود. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا اصولاً می‌توان به چنین جریانی در شعر معاصر، قائل شد؟ اگر جواب مثبت است، پیشینه این شعر چیست و ویژگی‌های ادبی آن کدام است؟ می‌دانیم که انقلاب مشروطیت مقطع مهمی در تاریخ شعر معاصر ایران به شمار می‌رود و در طول یک قرن که از وقوع آن گذشته، تحولات شعر معاصر فارسی، تحت تأثیر آن بوده است. در آغاز مشروطه، شعر نیز مانند سایر عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دچار تحولاتی شد که یکی از آنها توسعه حوزه مخاطبان و ورود به میان عوام بود. شاعران آن دوره، شعارها و پیام‌های انقلابی را در قالب زبان ساده عامیانه و به منظور آگاهی و تشویق مردم برای مبارزه به‌کار گرفتند و زمینه را برای کاربرد زبان روزمره در شعر فراهم کردند. در حوزه جریان‌های شعری معاصر، سنت‌گرایی مانند شهریار و رمانتیست‌های جامعه‌گرایی مانند نصرت رحمانی پاره‌ای از عناصر زبان محاوره از جمله واژگان، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه را وارد شعر کردند. در کنار آن و در جریان سمبولیسم اجتماعی، نیما از زبانی نزدیک به زبان گفتار برای ایجاد ارتباطی مؤثرتر با خوانندگان بهره جست. پس از او این فرایند به وسیله شاگردانش ادامه یافت و بویژه فروغ فرخزاد شعر را به گفتار طبیعی نزدیک کرد. شاعران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از اواخر دهه پنجاه تا پایان جنگ تحمیلی، در دو جریان شعر مقاومت و جنگ بویژه نوگرایان آنها، زبان ساده و صریح را در قالب ساختمان طبیعی کلام در سروده‌های خویش به کار بردند. تمامی این جریان‌ها، مقومی برای تداوم بخشیدن به کاربرد زبان گفتار در شعر معاصر شدند و سبب گردیدند با خاتمه یافتن جنگ و تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، جریان‌های شعری دیگری ظهور کنند که بهره‌گیری وسیع آنها از عناصر زبان جاری و روزمره، منجر به شکل‌گیری نوعی شعر به نام "شعر گفتار" شود که ویژگی بارز آن کاربرد قابلیت‌های زبان گفتار بویژه در حوزه زبان، موسیقی و ساختار در شعر است؛ شاعرانی که مدعی سرودن این شعر هستند، با اتکا بر زبان روزمره و بهره‌گیری از وزن

طبیعی کلام، آثاری را خلق می‌کنند که لحن گفتاری بر آنها حاکم است. اینان مدعی هستند که در شعرشان برای مخاطب حاضر سخن می‌گویند. شعرگفتار ساده و عاری از خیال‌پردازی‌های افراطی است و امور متنوعی که محتوای آن را تشکیل می‌دهند غالباً به جای گرفتار شدن در شیوه‌های مختلف صورخیال، در قالب تصاویری ساده و عاطفی ارائه می‌شوند. شعرگفتار را از رهگذر رفتارهای زبانی می‌توان به دو دسته "معناگرا" و "معناگریز" تقسیم کرد. شعرهای گفتاری معناگرا که به سبب رفتار متعارف شاعر با زبان قابل فهم هستند و ساختار متشکلی دارند و شعرهای گفتاری معناگریز که به دلیل آشنایی‌زدایی افراطی و رفتار غیرمعمول با زبان، هر نوع انسجامی در شعر از بین می‌رود. نتیجه بررسی سخنان و مدعیات شاعران گفتار، و خصوصیات شعر ایشان در این پژوهش نشان می‌دهد که شعر گفتار با خصوصیات مورد اشاره، صفت جدیدی نیست که وارد شعر شده باشد، زیرا ویژگی‌های آن را در انواع جریان‌های شعری معاصر می‌توان دید؛ بنابراین نمی‌توان آن را یک جریان مستقل شعری به شمار آورد، هرچند که ممکن است در آینده با رسیدن به پختگی بیشتر و یافتن مشخصه‌های ادبی استوارتر، بتواند به یک جریان شعری تبدیل شود.

واژگان کلیدی: نقد ادبی، شعر فارسی معاصر، زبان گفتار، شعرگفتار.

فهرست مطالب

فصل اول - طرح اولیه تحقیق

۱-۱. مقدمه.....	۲
۲-۱. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق.....	۴
۳-۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....	۵
۴-۱. فرضیه‌های تحقیق.....	۶
۵-۱. اهداف تحقیق.....	۷
۶-۱. روش انجام تحقیق.....	۷

فصل دوم - کلیات، تعاریف و مفاهیم

۱-۲. تعاریف زبان.....	۹
۲-۲. نقش‌های زبان.....	۱۲
۳-۲. ادب و زبان.....	۱۵
۴-۲. شعر و زبان.....	۱۷
۵-۲. گونه‌های زبان.....	۱۹
۱-۵-۲. نوشتار.....	۲۱
۲-۵-۲-۱-۱. زبان معیار (رسمی نوشتار).....	۲۲
۲-۵-۲-۱-۲. زبان علمی.....	۲۴
۲-۵-۲-۱-۳. زبان ادبی.....	۲۵
۲-۵-۲. گفتار.....	۲۸
۲-۵-۲-۱-۲. زبان محاوره (رسمی گفتار).....	۳۰
۲-۵-۲-۲-۲. زبان عامیانه.....	۳۱
خلاصه فصل.....	۳۳
پی‌نوشت‌های فصل دوم.....	۳۴

فصل سوم - بررسی نشانه‌های زبان گفتار در جریان‌های شعری معاصر

۱-۳. عصر مشروطه.....	۳۸
۳-۱-۱-۱. جریان شعری سنت‌گرا در شکل و محتوا.....	۳۹
۳-۱-۲. جریان شعری سنت‌گرا در شکل و نوگرا در محتوا.....	۴۱
- ایرج میرزا.....	۴۳
- محمدتقی بهار (ملک الشعرا).....	۴۵

۴۷	۳-۱-۳- جریان شعری نوگرا در شکل و محتوا.....
۴۹	- سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال).....
۵۲	- میرزاده عشقی.....
۵۳	- محمد فرخی یزدی.....
۵۴	۳-۱-۴- سنت شکنان.....
۵۶	- ابوالقاسم لاهوتی.....
۵۸	۲-۳. جریان‌های شعری معاصر.....
۵۹	۳-۲-۱- جریان شعری سنت‌گرای معاصر.....
۶۳	- محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار).....
۶۶	۳-۲-۲- جریان شعری رمانتیک.....
۷۰	- نصرت رحمانی.....
۷۲	۳-۲-۳- جریان شعری سمبولیسم اجتماعی.....
۷۵	- علی اسفندیاری (نیما یوشیج).....
۷۸	- احمد شاملو (ا. بامداد).....
۸۱	- مهدی اخوان ثالث (م. امید).....
۸۳	- سهراب سپهری.....
۸۵	- فروغ فرخزاد.....
۸۷	۳-۲-۴- جریان شعری موج نو و حجم.....
۹۱	- احمدرضا احمدی.....
۹۱	۳-۲-۵- جریان شعری مقاومت.....
۹۴	- طاهره صفارزاده.....
۹۵	۳-۲-۶- جریان شعری جنگ.....
۹۸	- قیصر امین‌پور.....
۹۹	- سلمان هراتی.....
۱۰۰	- محمدرضا عبدالملکیان.....
۱۰۰	- علیرضا قزوه.....
۱۰۲خلاصه فصل
۱۰۳پی‌نوشت‌های فصل سوم

فصل چهارم - شعر گفتار

۱۰۶	۴-۱. تعریف شعر گفتار.....
۱۰۷	الف) نشأت گرفتن از زبان گفتار روزمره.....

- ب) سیطره لحن گفتار..... ۱۰۸
- ج) بهره‌گیری از وزن طبیعی زبان گفتار..... ۱۰۹
- د) ادعای برکناری مخاطب غیابی و جایگزینی مخاطب حضوری..... ۱۱۰
- ه) گرایش به سادگی و عدم پیچیدگی..... ۱۱۲
- ۲-۴. شعرگفتار معناگرا و شعرگفتار معناگریز..... ۱۱۳
- ۳-۴. شعرگفتار عامیانه..... ۱۱۶
- ۱-۳-۴. شعرگفتار عامیانه لفظی..... ۱۱۷
- ۲-۳-۴. شعرگفتار عامیانه معنایی..... ۱۱۸
- ۴-۴. عناصر تشکیل دهنده شعرگفتار..... ۱۲۱
- ۱-۴-۴. زبان..... ۱۲۱
- ۱-۱-۴-۴. سطح آوایی..... ۱۲۱
- الف) استفاده از اصوات..... ۱۲۱
- ب) واج‌آرایی..... ۱۲۳
- ۲-۱-۴-۴. سطح واژگانی..... ۱۲۴
- الف) واژگان بسیط..... ۱۲۵
- ۱- واژگان غیرشاعرانه (غیر ادبی)..... ۱۲۵
- ۲- واژگان محاوره‌ای..... ۱۲۶
- ۳- واژگان مربوط به عناصر مدرن..... ۱۲۸
- ۴- واژگان بیگانه..... ۱۳۰
- ب) ترکیبات اضافی و وصفی جدید..... ۱۳۱
- ج) عبارات..... ۱۳۳
- ۱- اصطلاحات و کنایات عامیانه در زبان گفتار..... ۱۳۳
- ۲- ضرب‌المثل‌ها..... ۱۳۴
- ۳- عادت‌های ویژه‌گفتاری (سوگند خوردن، تکیه کلام‌ها، دعا و نفرین)..... ۱۳۴
- ۳-۱-۴-۴. سطح نحوی..... ۱۳۶
- الف) ایجاز..... ۱۳۷
- ب) اطناب..... ۱۳۸
- ج) آشنایی‌زدایی نحوی..... ۱۳۹
- د) حذف عناصر ضروری زبان..... ۱۴۰
- ه) تغییر روی سخن از شخصی به شخص دیگر..... ۱۴۱
- ۲-۴-۴. ساختار..... ۱۴۳
- ۱-۲-۴-۴. بیان روایی و داستان‌گونه..... ۱۴۴
- ۲-۲-۴-۴. بیان نمایشی..... ۱۴۶

۱۴۸.....	چند صدایی.....۳-۲-۴-۴
۱۵۱.....	چند لحنی.....۴-۲-۴-۴
۱۵۳.....	استفاده از فرم نامه.....۵-۲-۴-۴
۱۵۵.....	شکل آغاز و پایان بندی.....۶-۲-۴-۴
۱۵۷.....	موسیقی.....۳-۴-۴-۴
۱۵۸.....	وزن.....۱-۳-۴-۴
۱۶۰.....	قافیه و ردیف.....۲-۳-۴-۴
۱۶۱.....	تکرار.....۳-۳-۴-۴
۱۶۴.....	تخیل.....۴-۴-۴-۴
۱۶۶.....	تشبیه.....۱-۴-۴-۴
۱۶۷.....	استعاره.....۲-۴-۴-۴
۱۶۸.....	کاربرد اعجاب انگیز زبان.....۳-۴-۴-۴
۱۷۰.....	محتوا.....۵-۴-۴-۴
۱۷۳.....	مضامین تغزلی و رمانتیک.....۱-۵-۴-۴
۱۷۳.....	مضامین اجتماعی.....۲-۵-۴-۴
۱۷۵.....	طنز.....۳-۵-۴-۴
۱۷۷.....	شعر فراگفتار.....۵-۴-۴-۴
۱۷۹.....	خلاصه فصل.....
۱۸۰.....	پی‌نوشت‌های فصل چهارم.....

فصل پنجم - دستاوردها و نتایج تحقیق

۱۸۵.....	۱-۵. دستاوردها و نتایج تحقیق.....
۱۹۴.....	۲-۵. پیشنهادها.....
۱۹۵.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۲۰۵.....	نمایه اصطلاحات.....
۲۰۶.....	چکیده لاتین.....

فصل اول

طرح اولیه تحقیق

مقدمه

تعریف مسأله و سؤال‌های تحقیق

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

اهداف تحقیق

روش انجام تحقیق

۱-۱. مقدمه

شعر فارسی از آغاز تا کنون، دستخوش تحولات بسیاری شده است؛ اما بعد از انقلاب مشروطه، به دلیل تحول تفکر حاکم بر جامعه ایران، و پدید آمدن دگرگونی‌های اساسی در زیر ساخت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، هنر شعری نیز تغییرات بنیادینی یافت. این تغییرات سبب شد شاعران به تدریج، در اسلوب‌های شعری کهن تجدید نظر کنند و به شیوه‌های تازه در بیان شاعرانه روی آورند.

از این دوره به بعد، در کنار سروده‌های فاخر ادبی، اشعار دیگری نیز سروده شد که زبان و محتوای آنها از زبان، زندگی و فرهنگ عمومی مردم گرفته شده بود و مخاطبان آنها نه تنها عموم مردم که حتی بی‌سوادان را نیز شامل می‌شد. برای مثال، اشعار نسیم شمال را باسوادان برای بی‌سوادان می‌خواندند و بسیاری از بی‌سوادان نیز از روی علاقه‌ای که داشتند آنها را حفظ می‌کردند و در بیان مقاصد خود از آنها سود می‌جستند. لغات و ترکیبات این اشعار، ساده، اوزان آنها روان و مفاهیمشان عمومی و مربوط به زندگی روزمره اجتماعی و سیاسی مردم بود. از این رو می‌توان گفت، شعر عصر مشروطه مقدمه‌ای بود که راه را برای گفتاری شدن شعر در دوره‌های بعد هموار کرد. نخستین گام‌های این حرکت، کاربرد لغات محاوره‌ای و تعبیر عامیانه در شعر بود. شاعران این دوره بیشتر به جهت رعایت حد درک مخاطب عمومی و به منظور سرعت در انتقال پیام، درصدد جایگزین کردن زبان گفتاری عامیانه به جای زبان فاخر ادبی بودند. این اشعار علی‌رغم حضور در صحنه‌های اجتماعی و محافل عمومی، جواز ورود به ادبیات رسمی و محافل جدی ادبی را نیافتند. شاید بتوان از نخستین کسانی که بعداً زمینه کاربرد زبان و لحن گفتاری را در شعر، فراهم کرد و در زمینه نزدیک

ساختن زبان شعر به زبان گفتار، به نظریه‌پردازی پرداخت و خود نیز بر آن اساس شعر سرود، از نیما یوشیج یاد کرد. با ظهور نیما، کاربرد زبان گفتار جلوه دیگری به خود گرفت.

نیما یوشیج با آگاهی از زبان فاخر ادبی، به منظور هماهنگ ساختن زبان شعر دوره خویش با واقعیت زندگی، پیشنهاد به کارگیری زبان گفتار را در شعر مطرح ساخت. تأکید وی مبنی بر کاربرد لحن گفتاری در شعر، و به‌کاربردن وزن طبیعی و آزاد به جای وزن عروضی، به منظور نزدیک ساختن زبان شعر به طبیعت زبان، روند شکل‌گیری شعر نو را سرعت بیشتری بخشید. نیما برای نخستین بار کلمات غیرادبی را هماهنگ با دیگر عناصر شعری در بافت کلام خویش نشانده. او واژه‌های محاوره‌ای، اصطلاحات و کنایات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، لغات بومی و محلی، اصوات و هرآنچه را که برگرفته از باورها و عقاید مردم دوره خویش بود و در طبیعت زبان روزمره‌شان به کار گرفته می‌شد، بدون هیچ‌گونه محدودیتی و حتی بدون رعایت تساوی اوزان عروضی مصراع‌ها به قلمرو شعر وارد کرد. این امور در پیوند با عینیت‌گرایی، واقع‌بینی و جزئی‌نگری که مطابق پیشنهادهای او در نوع نگاه شاعران معاصر به محیط پیرامون خویش به‌وجود آمده بود، بافت هنری و منسجمی را برای شعر او رقم زد که جدا کردن زبان شعر از زبان گفتار را ناممکن می‌ساخت.

آسمان یگریز می‌بارد / روی بندرگاه. / روی دنده‌های
آویزان یک بام سفالین در کنار راه / روی "آیش"ها که
"شاخک" خوشه‌اش را می‌دواند. / روی نوغانخانه، روی پل-
که در سرتاسرش امشب / مثل اینکه ضرب می‌گیرند یا
آنجا کسی غمناک می‌خواند. / همچنین بر روی بالاخانه
همسایه من (مرد ماهیگیر مسکینی که او را می‌شناسی) /

...

(نیما یوشیج، مجموعه کامل اشعار: ۵۰۹-۵۱۰)

این نوع شعر که نخست در نظریه‌های نیما برخی از اصول آن بیان شد، بعدها توسط شاگردان وی مانند فروغ فرخزاد و دیگران، شکل سازمان یافته‌تری پیدا کرد. فروغ فرخزاد در دو دفتر شعری

”تولدی دیگر” و ”ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد” با هنرمندی تمام، توصیه‌های نیما را در زمینه زبان و لحن گفتاری در شعر اجرا کرد. او علاوه بر اوزان نیمایی و اوزان ترکیبی که به تبع اشعار نیما به کار می‌گرفت، برای نزدیکی بیشتر اشعار خود به طبیعت زبان، از نوعی وزن غیرعروضی که برگرفته از لحن گفتاری در کلام روزمره است، سود جست و بدین طریق پس از نیما سهم زیادی در تکامل شعر گفتار بر عهده داشت.

... / حیاط خانه ما تنهاست / حیاط خانه ما / در انتظار
بارش یک ابر ناشناس / خمیازه می‌کشد / و حوض خانه ما
خالی‌ست / ستاره‌های کوچک بی‌تجربه از ارتفاع درختان
به خاک می‌افتند / و از میان پنجره‌های پریده رنگ خانه
ماهی‌ها / شب‌ها صدای سرفه می‌آید / حیاط خانه ما
تنهاست / ...

(فروغ فرخزاد، دیوان اشعار: ۳۵۶-۳۵۷)

شعر گفتار که با فروغ وارد مسیر حقیقی خود شده بود، با رسیدن به دهه شصت گسترش و توسعه بیشتری پیدا کرد و به جریانی فراگیر تبدیل شد. در این دهه در برخی از محافل ادبی، گه‌گاه شعری با نام ”شعرگفتار” مطرح شد و شاعرانی کوشیدند به تبیین و تشریح آن بپردازند. اغلب شاعران نوپرداز دهه شصت تا کنون با استمداد از دو مشخصه بارز این نوع شعر؛ یعنی زبان و لحن گفتار به خلق آثاری همت گماردند که به دنبال ارتباطی مستقیم و بی‌واسطه‌تر با مخاطبان اشعارشان بودند و با زبان و لحن بیان گفتار روزمره با او سخن می‌گفتند.

۱-۲. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

زبان، عنصر اصلی شعر است و یکی از گونه‌های آن، زبان گفتگو است که هر چند رگه‌هایی از آن در سنت شعری ایران نیز مشاهده می‌شود؛ اما در شعر معاصر نمود بیشتری پیدا کرده است تا بدانجا که

اخیراً گروهی شعر خود را "شعرگفتار" نامیده‌اند و کوشیده‌اند با بیان ویژگی‌هایی برای آن، این نوع شعر را یکی از جریان‌های مستقل شعر معاصر قلمداد کنند؛ ولی در ویژگی‌های یاد شده، نکته خیلی شاخصی وجود ندارد که تازگی داشته باشد یا در سایر جریان‌های شعری معاصر به کار نرود و خاص نوعی دیگر باشد که متمایز از آن است. بنابراین ما درصدد هستیم با بررسی شعر این گروه از شاعران، ویژگی‌های زبانی ایشان و خصوصیات برشمرده شده در مدعیات ایشان، به این موضوع بپردازیم که آیا واقعاً می‌توان امروز به جریانی به نام "شعرگفتار" قائل شد؟ و بر این اساس آیا می‌توان، الزامات، محدودیت‌ها و ویژگی‌های زبان گفتاری را در شعر امروز تبیین کرد؟ به هر حال پاسخگویی به این سؤال‌ها، نیازمند بررسی و تحلیل علمی جدیدی از شعر معاصر با این رویکرد است که حداقل نتیجه آن روشن کردن جایگاه زبان گفتار در شعر نو و تأثیر آن در سبک شعر معاصر است؛ بنابراین، پژوهش حاضر برای رسیدن به این منظور درصدد پاسخگویی به پرسش‌های ذیل خواهد بود.

- ۱- زبان گفتاری چیست و ملاک تمایز آن از گونه‌های دیگر زبان کدام است؟
- ۲- استفاده از زبان گفتاری چه تحولی را از نظر زبان، سبک، شیوه‌های بیانی و مضمون در شعر فارسی ایجاد کرده است؟ و آیا می‌توان گفت "شعرگفتار" یکی از جریان‌های شعری امروز است؟
- ۳- امکانات شاعرانه زبانی و خیالی که استفاده از زبان گفتاری در اختیار شاعران قرار داده است، چیست؟
- ۴- عوامل افزایش گرایش شاعران در دو دهه اخیر به زبان گفتاری در شعر چیست؟
- ۵- شعر کدام شاعران نوپرداز بیشتر به این شیوه بیانی و زبانی گرایش دارد و کدام شاعران در رواج و تکامل زبان گفتاری در شعر نو تأثیر بیشتری داشته‌اند؟

۱-۳. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در کتاب "گزاره‌های منفرد" (۳ جلدی) از علی باباچاهی، مباحثی پیرامون رویکرد به شعرگفتار و تقسیم بندی آن ذکر شده است. علی تسلیمی نیز در کتاب "گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران" به طور خلاصه، این شعر را جزو شعرهای دوره اخیر تا آغاز دهه هشتاد، مورد بررسی قرار داده است. سیدعلی صالحی

هم در کتاب "شعر در هر شرایطی"، همچنین در بعضی از مقالاتی که در کتاب "مهرگردون" و برخی نشریات دیگر به چاپ رسانده، سعی کرده‌است پیشینه، ویژگی‌ها و حرکت رو به رشد این "جنبش شعری" را تبیین کند. سه مقاله دیگر نیز با عناوین "شعرگفتار چیست؟" از محمود جعفری و "شعر گفتار" و "تحلیل ادبی شعرگفتار" از غلامرضا صراف، در این زمینه نوشته شده‌است. با وجود این، هیچ کدام از منابع مذکور، به درستی و به گونه‌ای شفاف به تعریف، بیان پیشینه و ویژگی‌های این نوع شعر نپرداخته است. هرچند زبان گفتار در شعر دو دهه اخیر فراگیری درخور توجهی یافته و مدعیاتی در این زمینه مطرح شده‌است؛ تحقیق بی‌طرفانه و مستقلى درباره آن صورت نگرفته است تا با جمع‌آوری و طبقه‌بندی مطالب تدوین شده در این خصوص و تطبیق نقادانه آن با نمونه‌های ارائه شده و آنگاه مطابقت آن با سایر جریان‌های شعری از نظر سنجیدن ممیزات آن، بتوان درباره آن سخن روشن‌تری گفت.

۱-۴. فرضیه‌های تحقیق

- ۱- زبان‌گفتاری، گونه‌ای از زبان است که در نقش ارتباطی و بویژه برای سامان دادن به تعاملات شفاهی ظاهر می‌شود و در دستگاه واژگانی، نحوی و بلاغی با زبان نوشتاری متفاوت است.
- ۲- ساده‌تر شدن زبان شعر و رواج مضامین عمومی که در بین همه اقشار جامعه به کار می‌رود، گرایش سبک شعر به سوی گفتگوهای دو نفره و نهایتاً صمیمیت بیشتر شعر در حوزه عاطفه و خیال، از ویژگی‌های شعرگفتار هستند و سبب شده‌اند که به تدریج، این سبک به آن حد از تشخیص برسد که به سوی ایجاد یک جریان مستقل شعری پیش برود.
- ۳- ورود بسیاری از کلمات معمول زندگی به شعر و گسترش دایره واژگانی، دست شاعر را برای انتخاب باز می‌گذارد، شاعر در اکثر موارد از طریق خود زبان غرابت ایجاد می‌کند نه از طریق تشبیه، استعاره و سایر آرایه‌های ادبی.

۴- عوامل عمده افزایش گرایش شاعران در دو دهه اخیر به زبان گفتار را می‌توان به طور خلاصه در حس جستجوگری برای کشف ادبیت در زبان روزمره، ایجاد سبکی متمایز از شیوه شاعران شاخص گذشته، و تا حدودی تأسی به شعر غربی، دانست.

۵- شاعران اواخر دهه شصت و دهه هفتاد نسبت به تمامی شاعران دهه‌های گذشته، گرایش بیشتری به این شیوه بیانی نشان داده‌اند. از گذشتگان نیز نیما یوشیج و فروغ فرخزاد، تأثیر بیشتری در رواج و تکامل این گونه زبانی در شعر داشته‌اند.

۱-۵. اهداف تحقیق

- ۱- بررسی سیر چگونگی به کارگرفتن شعرگفتار در زبان شعر از مشروطه به بعد.
- ۲- تحلیل زبانی شعر معاصر از منظر زبان گفتار.
- ۳- معرفی شاعران برجسته در حوزه کاربرد زبان گفتار در هر یک از جریان‌های شعری معاصر.
- ۴- تبیین ویژگی‌های شعرگفتار.
- ۵- نقد و تحلیل اشعار گفتار از منظر ویژگی‌های این نوع شعر.
- ۶- شناسایی دقیق‌تر جریان‌های شعری معاصر.

۱-۶. روش انجام تحقیق

روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی است که به شیوه اسنادی صورت می‌گیرد؛ و مراحل آن به شرح زیر است: ۱- تعریف زبان، بیان کارکردها و نقش‌های زبان، تبیین رابطه ادبیات با زبان و بویژه شعر و فرق زبان گفتار با نوشتار. ۲- ترسیم خط سیر زبان شعر به جانب زبان گفتار، از عصر مشروطه تا انقلاب اسلامی و از انقلاب اسلامی تا دهه هفتاد. ۳- تعریف "شعرگفتار" و انواع آن، تفاوت شعرگفتار با شعر عامیانه و ویژگی‌های شعر گفتار از منظر زبان، موسیقی، تخیل، ساختار و محتوا.